

نقش ایران در ایجاد سازمان امنیت و همکاری با شورای همکاری خلیج فارس و جامعه توسعه اقتصادی جنوب آفریقا

حمید هادیان*

چکیده

رویکرد منطقه گرایی یکی از راهبردهای مناسب برای تدوین و توسعه روابط جنوب - جنوب است. سادک یکی از سازماهای اقتصادی و توسعه جنوب آفریقا و شورای همکاری خلیج فارس نیز یکی از نهادهای منطقه‌ای بدنبال بسط و توسعه روابط فرامنطقه‌ای در چارچوب روابط جنوب - جنوب هستند. اگر چه روابط فرامنطقه‌ای این دو با ابتکارات اقتصادی، تجاری، اتحادیه گمرکی، طرح‌های مشترک صنعتی، تبادل اطلاعات و تجارب قانونگذاری و حمایت از محیط زیست و نیز تلاش برای برقراری توسعه و دهمکراسی است و از آنجا که دایره گستره ابتکارات مذکور دو طرف پس از ۱۱ سپتامبر گسترش و تعمیق همکاری‌های دوجانبه امنیتی علیه تروریسم و برقراری امنیت منطقه‌ای در دو حوزه خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند است ولی ج.ا. ایران بعنوان یک کشور قدرتمند اقتصادی و نظامی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و به لحاظ ظرفیت‌های منطقه‌ای و گستره ارتباطات پیرامونی می‌تواند به تحکیم و تقویت روابط منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس و سادک پردازد.

ج.ا. ایران با پیشنهاد تشکیل سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند می‌تواند با ترسیم فضایی مناسب رفتارهای منطقه‌ای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و سادک را در ارتباط با تشریک مساعی، امنیت و اعتمادسازی شکل

* پژوهشگر مسائل سیاست خارجی

دهد. ایران به لحاظ موقعیت مهم جغرافیایی و سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند مشابه سازمان امنیت و همکاری در اروپا به اجرای مأموریت‌های صلح سازی، مدیریت بحران، امنیت و اعتمادسازی، توسعه حقوق بشر و اصلاحات اقتصادی، امنیت زیست محیطی و گسترش و تعمیق روابط تجاری و اقتصادی خواهد پرداخت.

اگر چه گستره حوزه فعالیت ج.ا. ایران و سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند ارائه دهنده روابط جنوب - جنوب است ولی روابط دریایی جنوب - جنوب چارچوب روابط فرامنطقه‌ای سه جانبه ج.ا. ایران (سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند)، شورای همکاری خلیج فارس و سادک را تشکیل می‌دهد./-

مقدمه

رویکرد پراتیک منطقه‌گرایی^۱ یکی از راه‌های مناسب کشورهای جهان سوم جهت بسط و توسعه مناسبات سیاسی، اقتصادی و تجاری است. این رویکرد ضمن تدوین و توسعه فرصت‌های مناسب و برابر برای طرفین زمینه ظهور همگرایی^۲ منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای را فراهم می‌کند.

سادک^۳ یکی از سازمان‌های اقتصادی و توسعه جنوب آفریقا بدنبال بسط و گسترش مناسبات منطقه‌ای در فضای نهاد و اتحادیه آفریقا^۴ (جولای ۲۰۰۱) است. اهداف این سازمان برقراری دموکراسی، مدیریت خوب اقتصادی^۵ و برقراری ثبات و امنیت در این بخش حساس آفریقا است. آلیک اروین وزیر تجارت و صنایع آفریقای جنوبی در خصوص روابط فرامنطقه‌ای سادک گفته است:

1. Regionalism

2. Integration

3. Southern African Development Community (SADC)

4. African Union and Nepad Context

5. Economic Good Governance.

«تمام تلاش سادک گسترش و تعمیق روابط فرامنطقه‌ای با اروپا، آمریکای لاتین، آسیا و خاورمیانه است.

شورای همکاری خلیج فارس (GCC) نیز یکی از نهادهای منطقه‌ای در خلیج فارس است که از سوی سادک برای روابط فرامنطقه‌ای با خاورمیانه و خلیج فارس انتخاب شده است. ۱۴ عضو سادک با جمعیتی معادل ۱۹۱ میلیون نفر با ارزش تجاری ۱۸۸ میلیارد دلار و ۶ عضو شورای همکاری خلیج فارس با جمعیتی معادل ۳۰ میلیون نفر و با ارزش تجاری ۲۶۱ میلیارد دلار بدنبال بسط و توسعه روابط فرامنطقه‌ای می‌باشند.

البته سیاست منطقه‌ای همگرایی صرفاً یک رویه پراتیک و کارکرد منطقه‌ای امنیت بلکه نوعی رویکرد تئوریک نیز بشمار می‌رود. برای مثال؛ انستیتو امور بین‌الملل، وزارت امور خارجه، بانک استاندارد آفریقایی جنوبی و نیز سادک به‌مراه شورای همکاری خلیج فارس به برگزاری یک کنفرانس علمی - راهبردی در ۴ اکتبر ۲۰۰۱ در ژوهانسبورگ آفریقایی جنوبی برای بحث و بررسی پیرامون ظرفیتهای بالقوه و بالفعل GCC و SADC پرداخته‌اند. در این کنفرانس ضمن بررسی زمینه‌های مشترک همکاری دو طرف، مطالعه تطبیقی از نقش برخی کشورهای برجسته در این دو سازمان منطقه‌ای شده است. برای مثال، از آفریقایی جنوبی با جمعیتی معادل ۲۰٪ جمعیت منطقه سادک، ۶۰٪ تجارت منطقه‌ای و ۷۵٪ GDP و عربستان سعودی با ۷۰٪ جمیع منطقه GCC، ۳۰٪ تجارت منطقه‌ای و ۶۰٪ برون‌داد اقتصادی نامبرده شده است. همچنین در این کنفرانس؛ نفت، مواد معدنی، محصولات کشاورزی و فرآورده‌های صنعتی از مهمترین کالاهای عمده تجاری بین دو طرف یاد شده و مسایل مهم منطقه‌ای چون زیست محیطی، افزایش بی‌رویه جمعیت، توسعه و دمکراسی و برقراری امنیت، ثبات و اعتمادسازی منطقه‌ای نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

اعضای SADC (۱۹۸۰)		اعضای GCC (۱۹۸۱)
۱- انگولا	۸- جمهوری دموکراتیک کنگو	۱- بحرین
۲- بوتسوانا	۹- آفریقای جنوبی	۲- کویت
۳- لستو	۱۰- سوازیلند	۳- عمان
۴- مالاوی	۱۱- تانزانیا	۴- قطر
۵- موریטانی	۱۲- زامبیا	۵- عربستان سعودی
۶- موزامبیک	۱۳- زیمبابوه	۶- امارات
۷- نامیبیا	۱۴- سیشل	

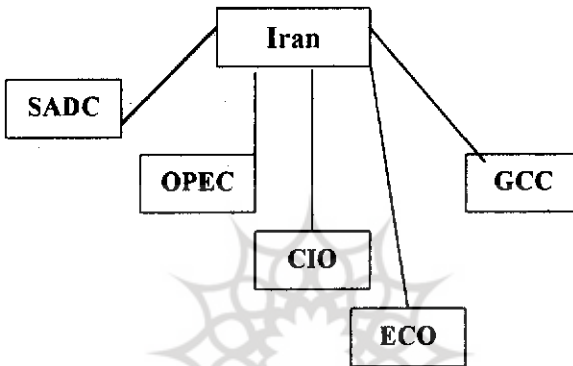
البته انگیزه دو طرف برای بسط و توسعه روابط فرامنطقه‌ای با ابتکاراتی همراه بوده است. GCC در سال ۱۹۹۹ مبادرت به امضای توافقنامه اتحادیه گمرکی تا ۱ مارس ۲۰۰۵ پرداخته و SADC نیز به تأسیس منطقه آزاد تجارت منطقه‌ای تا سال ۲۰۰۸ پرداخته است. سلسله مذاکرات اخیر دو طرف نیز شامل ادغام بازارهای مشترک، اجرای طرح‌های مشترک صنعتی، تبادل اطلاعات و تجارب فانونگذاری و حمایت از محیط زیست و نیز تلاش برای برقراری توسعه و دموکراسی بوده است.

یکی از مباحث اساسی دو طرف تلاش برای تحقق اهداف مذکور در بستر و فضای اعتمادسازی و امنیت منطقه‌ای است. به نظر می‌رسد که پس از ۱۱ سپتامبر و در پی گسترش و تعمیق ابعاد فعالیت تروریسم بین‌الملل، GCC و SADC مایل به همکاری دوجانبه امنیتی علیه تروریسم و نیز برقراری امنیت منطقه‌ای در دو حوزه خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند باشند.

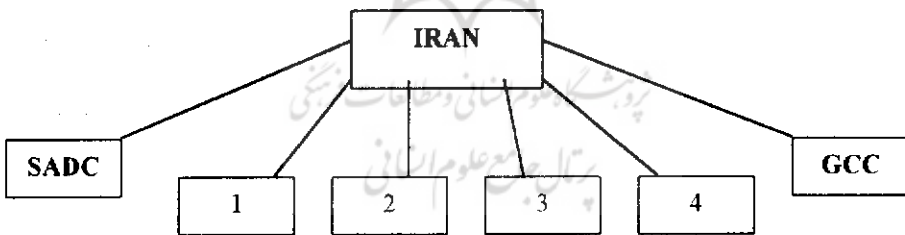
جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک کشور قدرتمند اقتصادی و نظامی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و با داشتن ظرفیت منطقه‌ای چون عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی، اکو و اوپک می‌تواند نقش برجسته‌ای در برقراری امنیت منطقه خلیج

فارس و اقیانوس هند و گسترش همه‌جانبه روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC داشته باشد.

ظرفیت سازمانهای منطقه‌ای برای ایران



ظرفیت ژئوپولتیک ایران



- 1- Central Asia and Caucasus, Afghanistan and South – West Asia
- 2- Persian Gulf and Indian Ocean
- 3- Turkey and EU
- 4- Middle East and Iraq

این مقاله در نظر دارد ضمن بحث و بررسی پیرامون ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی SADC و GCC به نقش و قدرت برجسته ج.ا.ا. بر اساس تز سوق‌الجیشی (محل تقاطع

دوجاده) در گسترش و تعمیق فرامنطقه‌ای این دو سازمان منطقه‌ای خلیج فارس و جنوب آفریقا پردازد.

تعریف مفاهیم و ادبیات پژوهش:

۱- متولوژی تشریحی و توصیفی

۱-۱- تعریف مفهوم تنوریک و پراتیک سوق‌الجیشی و تعمیم آن بر موقعیت ایران. معنی لغوی Cross road به محل تقاطع دو جاده معطوف است. اطلاق مفهوم تنوریک سوق‌الجیشی به یک کشور حاکی از اهمیت و جایگاه حساس و برجسته آن در نقطه تقاطع و اتصال چند محور حساس و استراتژیک بین‌المللی است و این مسئله نیز ناشی از موقعیت برجسته ژئوپولتیک آن کشور است. سیاست آن کشور نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، همسایگانیش، محورهای ارتباطی، امکانات و توانایی‌هایش بررسی می‌شود. البته این چنین کشوری "ژئوپولتیک" که از دیدگاهی گسترده‌تر می‌نگرد و صرفاً به عوامل جغرافیایی، طبیعی و فیزیکی اکتفا نکرده و عوامل فرهنگی و تاریخی را نیز قویاً به حساب می‌آورد و به این اعتبار می‌تواند برای درک جایگاه آن کشور در عرصه بین‌المللی مفید باشد.

"گراهام فولر" در تألیفات گوناگون خود دربارهٔ خاورمیانه بطور بی‌شمار از موقعیت سوق‌الجیشی ایران در عرصه جهانی نام برده است. وی در آثار خود به خصلت مناسبات ایران با هر یک از همسایگانیش می‌پردازد تا آندسته از قضایا، الگوها و عوامل ثابتی که متأثر از ژئوپولتیک و میراث تاریخی هستند، مشخص شوند. هدف وی در طرح این نوع مباحث؛ برجسته‌سازی موقعیت ژئوپولتیک ایران در خلیج فارس و نقش ایران در سیاست‌های گسترده‌تر خاورمیانه و دورتر بوده است.

گراهام فولر در این باره می‌نویسد:

«تاریخ ایران خود تا اندازه‌ای معلول ژئوپولیتیک کلاسیک است؛ همسایگان، محورهای ارتباطی و مسیرهای هجوم بر تجارب سیاسی، نظامی، اقتصادی و قومی مستقیماً تأثیر می‌گذارند، و تجربه تاریخی در قالب‌ریزی آن خصوصیت فرآری که آنرا با اسامی گوناگون فرهنگی ملی، فرهنگ سیاسی یا خصوصیات ملی چون «قبله عالم» مشخص می‌کنیم، تأثیر نیرومندی دارد».

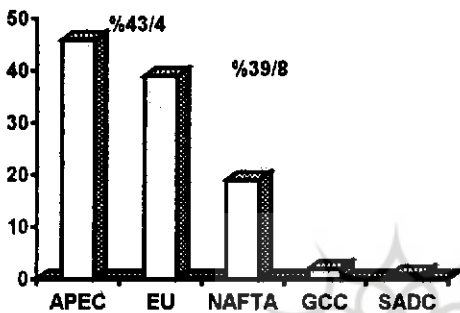
فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سبب شد تا موقعیت ژئوپولیتیک ایران بیش از پیش برجسته‌تر شود. این موقعیت حاکی از نقش سوق‌الجیشی ایران نسبت به مناطق حساس و استراتژیک خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز است. موقعیت سوق‌الجیشی ایران در شمال و جنوب با ظهور فرصت‌ها و تهدیدات جدی و جدیدی همراه است. عضویت برجسته ایران در سازمان کنفرانس اسلامی، توسعه مناسبات ایران با برخی کشورهای ذینفوذ در GCC و نقش رهبری ایران در ECO حاکی از نقش برجسته سوق‌الجیشی ایران پس از خاتمه جنگ سرد است. بسیاری از ناظران معتقدند که ایران به دلیل اهمیت استراتژیک خود ضرورتاً در آینده نقش فرمانطقه‌ای چشمگیری بازی خواهد کرد. ایران مهد تمدن‌های جهانی بوده، در مرکز بزرگترین حوزه انرژی جهان قرار گرفته و انگهی، گلوگاه نفت و گاز طبیعی جهان در تنگه هرمز را در کنترل خود دارد.

ارزانترین و کوتاهترین مسیرها در قلب جاده باستانی انرژی (جاده ابریشم) برای انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی از طریق خلیج فارس را در اختیار می‌گذارد، و سرانجام اینکه پرجمعیت‌ترین کشور و دارای یکی از بزرگترین زیربنایهای صنعتی در منطقه گسترده‌ای است که از دریای خزر تا مدیترانه شرقی را در بر می‌گیرد.

۲-۱- ظرفیت‌های روابط فرمانطقه‌ای GCC و SADC

ظرفیت‌های موجود روابط فرمانطقه‌ای بین GCC و SADC از یکسو ناشی از اهداف و منافع مشترک آندو و از سوی دیگر حاکی از وجود زمینه‌های مشترک همکاری

بین آنها است. برای بررسی و ظرفیت‌های مذکور ابتدا لازم است که این دو سازمان منطقه‌ای را به لحاظ سهم آنها در تجارت جهانی مورد ارزیابی قرار دهیم. دیاگرام ۱: سهم تجارت جهانی بر حسب درصد



World Trade Organization (WTO)

منبع:

با مطالعه ارقام این دیاگرام کاملاً مشهود است که این دو سازمان دارای سهم اندکی در تجارت جهانی بوده و شاید یکی از علل گسترش روابط فرامنطقه‌ای آنها توسعه اهداف و منافع مشترک در چارچوب روابط جنوب - جنوب باشد.

از طرف دیگر حصول به این اهداف نیز متضمن کاهش تفاوت‌های موجود در ساختارهای سیاسی و اقتصادی باشد. این بخش در نظر دارد تا ضمن بررسی تفاوت‌های موجود در ساختارهای سیاسی و اقتصادی GCC و SADC به ظرفیت‌های موجود بین این دو سازمان منطقه‌ای در چارچوب روابط جنوب - جنوب بپردازد.

الف: تفاوت‌های موجود در ساختارهای سیاسی و اقتصادی GCC و SADC

۱- ساختار اقتصادی - سیاسی

ساختار اقتصادی - سیاسی کشورهای GCC به لحاظ وابستگی شدید به منافع طبیعی کاملاً شبیه به ساختار اقتصادی - سیاسی کشورهای SADC است. کشورهای GCC وابستگی اقتصادی نفتی دارند ولی کشورهای SADC به منابع طبیعی چون محصولات کشاورزی و فرآورده‌های معدنی وابسته‌اند. اگر چه میزان رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای GCC و SADC خیلی بهم شبیه است ولی تفاوت‌هایی بین آنها دیده می‌شود. کشورهای GCC به لحاظ درآمدهای نفتی ثروتمندند ولی کشورهای SADC از چنین مزیتی در قبال فروش محصولات کشاورزی و فرآورده‌های صنعتی - معدنی برخوردار نیستند. اغلب کشورهای GCC از اعضای قدرتمند و پرنفوذ OPEC می‌باشند و نقش مهمی در تثبیت قیمت نفت و درآمدهای نفتی دارند اما کشورهای SADC از چنین مزیتی برخوردار نیستند و این معضل باعث شده تا آنها در چانه‌زنی دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی از ابزار و قدرت کمتری برخوردار باشند و بیشتر از سیاست خارجی انفعالی پیروی کنند.

۲- رشد و توسعه مهارت‌ها و اشتغال
 کشورهای SADC همواره از فقدان رشد و توسعه مهارت‌ها و عدم اشتغال در رنج بوده و زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی آنها به خاطر فقدان و مدیریت فنی با چالش‌هایی روبرو بوده است. در حالیکه کشورهای GCC به لحاظ رشد و توسعه صنعت نفت و گسترش روابط نفتی - فنی با شرکتهای غربی نفتی از درجه بالایی از رشد و توسعه مهارت‌ها، فنی و اشتغال برخوردار بوده است. آمارهای موجود حاکی از مهاجرت کارگران آفریقایی به کشورهای GCC برای کسب درآمد و مهارت بوده است.

۳- رشد و توسعه بخش خصوصی

فقدان توسعه اقتصادی در کشورهای GCC و SADC موجب شده است تا رشد و توسعه بخش خصوصی با رکود جدی مواجه شود. صنایع نفتی در کشورهای GCC کاملاً دولتی است و بخش خصوصی بیشتر در سایر زمینه‌ها فعالیت دارد و یکی از علل عدم وقوع توسعه اقتصادی و سیاسی در کشورهای GCC اقتدار کامل اقتصاد نفتی دولت در کشورهای GCC است. برای مثال؛ ۷۵٪ از درآمدهای نفتی تحت سیطره کامل دولت در کشورهای GCC است. کشورهای SADC نیز پس از گذار از عرصه سیاست‌های اقتصاد سوسیالیستی هنوز به نهادینه کردن بخش خصوصی و اقتصاد آزاد موفق نشده‌اند و شاید یکی از علل عدم توسعه یافتگی اقتصادی و سیاسی آنها فقدان استراتژی توسعه سیاسی و اقتصادی باشد.

۴- خدمات عمومی

رشد و توسعه خدمات عمومی در کشورهای GCC به لحاظ درآمدهای نفتی در سطح بالایی نسبت به کشورهای SADC است. تناسب جمعیت کم کشورهای GCC نسبت به کشورهای SADC و نسبت افزایش رشد و توسعه اقتصاد نفتی کشورهای GCC نسبت به اقتصاد کمتر توسعه یافته کشاورزی، صنعتی - معدنی کشورهای SADC، رشد و توسعه خدمات عمومی را در منطقه جنوب آفریقا با بحران جدی مواجه ساخته است.

ب - ظرفیتهای موجود بین GCC و SADC در چارچوب روابط فرامنطقه‌ای

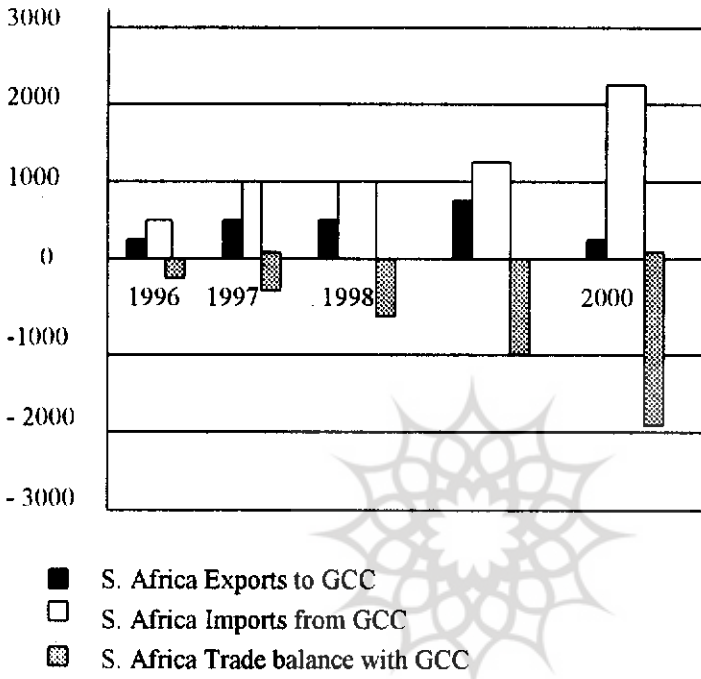
اگر چه تلاش‌های دیپلماتیک دو طرف طی سالهای اخیر به نزدیکی سیاست و روابط خارجی کشورهای GCC و SADC انجامیده ولی دو طرف به بسط و توسعه روابط تجاری و اقتصادی در زمینه کالا، خدمات، سرمایه‌گذاری و ... با یکدیگر پرداخته‌اند.

۱- ظرفیتهای ژئوپولیتیک

روابط تجاری و اقتصادی کشورهای GCC و SADC به لحاظ مجاورت ژئوپولیتیک خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند و جنوب آفریقا همواره برقرار بوده است. اما این مفهوم حجم وسیع مراودات تجاری بین آنها نبوده است. برای مثال، حجم صادرات و واردات GCC به کل قاره آفریقا طی سال ۱۹۹۵ به ترتیب ۵٪ و ۱/۲ درصد بوده است و همچنین طی همانسال صادرات کشورهای جنوب آفریقا به کشورهای GCC ۲٪ و سهم صادرات آنها نیز ۶/۹٪ بوده است.

همچنین سهم واردات کشورهای SADC طی سال ۱۹۹۶ بیش از صادرات آنها به کشورهای GCC بوده است. همچنین سهم واردات SADC در سال ۲۰۰۰، ۳۹۲٪ و سهم صادرات آن به GCC ۸۳٪ بوده است. بیشترین سهم مراودات تجاری در SADC را آفریقای جنوبی و در GCC عربستان سعودی و امارات بر عهده دارند. این دو کشور عربی در سال ۲۰۰۰ بیش از ۹۰٪ از مجموع صادرات آفریقای جنوبی به کشورهای GCC را بخود اختصاص داده‌اند.

نمودار تراز تجاری GCC و SADC



Source: S. Africa Department of foreign Affairs.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کار تال جامع علوم انسانی

۲- مراودات خدمات و نیروی کار تال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 آفریقای جنوبی به لحاظ دارا بودن سطوح عالی مدیریت، فنی و خدمات پزشکی از سهم بسزایی به نسبت سایر کشورهای SADC در اجرای خدمات شهری و روستایی در بین کشورهای GCC برخوردار است. برای مثال؛ بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر از پرسنل مدیریت، خدمات پزشکی و پزشکان، کارگران ماهر و متخصصین آفریقای جنوبی در کشورهای GCC به سر می‌برند. بیشتر مدیران و کارگران ماهر و متخصص آفریقای جنوبی در فرودگاهها و صنایع نفتی کشورهای GCC و بویژه در امارات، قطر و کویت مشغول کارند. شعب بانکهای استاندارد، سائول، رابرتز و مورای آفریقای جنوبی در فرودگاه



دوبی مستقر می‌باشند. همچنین بانک توسعه صنعتی Saol آفریقای جنوبی سهم قابل توجه‌ای در احداث خطوط انتقال گاز و مواد نفتی را در قطر بر عهده دارد.

تجار و سرمایه‌گذاران GCC نیز به افزایش سطوح سرمایه‌گذاری در آفریقای جنوبی در زمینه مخابرات، موبایل و سایر خدمات اجتماعی پرداخته‌اند. شرکت Oger عربستان سعودی به ارائه خدمات تلفن، فاکس و موبایل در آفریقای جنوبی مشغول است. همچنین عربستان سعودی سالانه بیش از ۵ میلیارد دلار فرآورده‌های غذایی از کشورهای SADC وارد می‌کند و میزان صادرات سالانه مواد غذایی آفریقای جنوبی به کشورهای GCC ۱۰۰ میلیون دلار است.

این ارقام حاکی از تشویق کشورهای SADC به بهبود وضعیت کشاورزی و صنایع غذایی برای صادرات بیشتر به کشورهای GCC است. واردات کشورهای SADC از GCC شامل البسه، پوشاک، شکر و خودروهایی موتورسیکلتی و صادرات آنها نیز شامل پوست و چرم حیوانات، صنایع چوبی و تزئینی است.

۳- انرژی

اگر چه کشورهای SADC وابستگی شدید نفتی به کشورهای GCC دارند ولی فرصت‌های اکتشاف و سایر خدمات نفتی نیز برای آنها بویژه آفریقای جنوبی وجود داشته است. برای مثال؛ شرکت توسعه صنعت - نفتی سائول آفریقای جنوبی نقش مهمی در صنایع نفت و پتروشیمی کشورهای GCC دارد.

۴- معدن

اگر چه علاقه کشورهای GCC در فعالیتهای اکتشاف، استخراج و سایر خدمات معادن در کشورهای SADC کم است ولی متخصصین و کارگران آفریقای جنوبی علاقه شدیدی برای فعالیتهای مذکور در صنایع معادن و نفت کشورهای GCC دارند.

عربستان سعودی یکی از کشورهای غنی در صنایع معادن شامل آهن، بوکسیت، مس، روی، طلا، منیزیم و فسفات است و بالغ بر ۳۰ نوع از معادن این کشور در مرحله بهره‌برداری است و بالغ بر ۱۵ نوع از صنایع معادن عربستان سعودی آماده سرمایه‌گذاری است. اخیراً معاون صنایع و معادن عربستان سعودی از آمادگی ۶۴ پروژه معدنی این کشور برای دریافت سرمایه‌گذاری در زمینه استخراج و بهره‌برداری خبر داده است.

آمار و گزارشات اقتصادی نیز حاکی از غنی بودن منابع معدنی در کشورهای SADC است. معادن اورانیوم، طلا و الماس در برخی کشورهای SADC آماده پذیرش سرمایه‌گذاری در زمینه کشف، استخراج و بهره‌برداری است. یکی از اهداف کشورهای SADC جذب سرمایه‌های کشورهای GCC برای فعالیت در امور معادن در منطقه جنوب آفریقا است.

۵- کشاورزی

به نظر می‌رسد که کشورهای GCC دارای فرصت‌های بیشتری در زمینه کشاورزی و دامپروری باشند. بخش کشاورزی در عربستان سعودی از سال ۱۹۷۰ تاکنون با رشد متوسط ۸/۷٪ روبرو بوده است. همچنین بخش کشاورزی این کشور حدود ۱۴٪ از نیروی کار کل کشورها را بخود اختصاص داده است. یکی از اهداف اقتصاد کشاورزی این کشور کاهش سطوح واردات کشاورزی، توسعه بخش کشاورزی و خودکفایی است. خودکفایی کشاورزی و دامپروری در عربستان سعودی در زمینه گوشت، شیر، تخم‌مرغ و محصولات کشاورزی قابل توجه است.

فرآورده‌های کشاورزی این کشور پس از فرآورده‌های نفتی رتبه دوم در صادرات و رتبه اول در صادرات غیر نفتی را دارا است. کشورهای SADC می‌توانند از این فرصت‌ها باری جلب هر چه بیشتر تجارت و سرمایه‌گذاری از کشورهای GCC بردارند. تجارب در زمینه کشاورزی دیمی و غیردیمی، زهکشی و دریافت آب برای مصارف

کشاورزی از فرصت‌های مناسب برای کشورهای SADC بر سر همکاری هر چه بیشتر کشاورزی و دامپروری با GCC است. همچنین تجارب ماهیگیری و کشتیرانی کشورهای GCC می‌تواند فرصت مناسب برای کسب تجارب کافی از جانب کشورهای SADC برای تهیه منبع جدید مواد غذایی چون صنایع غذایی دریایی باشد.

۶- صنعت

زیر ساختارهای صنعتی بویژه صنایع نفت و پتروشیمی کشورهای GCC و بخصوص عربستان سعودی و امارات از رشد و توسعه بی‌سابقه‌ای در منطقه خاورمیانه برخوردار است. فعالیتهای صنعتی کشورهای GCC بیشتر در زمینه پتروشیمی، پلاستیک، فولاد، مصالح ساختمانی، ماشین‌آلات، تولید مواد غذایی و نساجی است و بیشترین تمرکز صنعتی کشورهای مذکور نفت و پتروشیمی است. پروژه‌های صنعت نفت و پتروشیمی در این کشورها با مشارکت وسیع شرکت‌های خارجی نفتی همراه بوده است.

وزارت صنایع و برق عربستان سعودی اخیراً اعلام کرد که این کشور میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی سالانه خود را بر روی صنایع نفت و پتروشیمی به ۸ میلیارد دلار افزایش خواهد داد. به نظر می‌رسد که فرصت‌های مناسب و ارزشمندی به لحاظ سرمایه‌گذاری، نیروی کار متخصص و مدیریت فنی و تکنولوژیک برای کشورهای SADC در امور صنایع نفت و پتروشیمی در کشورهای GCC وجود داشته باشد.

۷- بخش ساختمان‌سازی و امور زیربنایی

برآورد می‌شود که کشورهای GCC چیزی حدود ۲۵۰ میلیارد دلار را صرف توسعه زیرساختارهای کشور کرده باشند. همچنین تخمین زده می‌شود که کشورهای مذکور حدود ۴٪ از GDP خود را معادل ۱۰ میلیارد دلار صرف زیرساختارها و امور زیربنایی چون برق، آب، مخابرات، جاده، بنادر و فرودگاهها اختصاص داده باشند. آمارهای

جدید حاکی از سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی کشورهای GCC به لحاظ روند رو به رشد جمعیت آنها است.

آفریقای جنوبی در بین کشورهای SADC بدنبال مشارکت در فرصت‌های مذکور در کشورهای GCC است. شرکت‌های رابرتز و مورای آفریقای جنوبی ترمینال جدیدی را در فرودگاه دبی احداث کردند. صنعت هتل سازی در کشورهای GCC فرصت مناسب دیگری برای کشورهای SADC می‌باشد. اخبار رسیده حاکی از تمایل و علاقمندی کشورهای GCC به احداث ۱۴۰ هتل لوکس طی ۳ تا ۵ سال آینده با گنجایش ۳۴۰۰۰ اتاق است. برای مثال؛ امارات اخیراً اعلام کرد که بدنبال احداث ۵۰ هتل جدید تا سال ۲۰۰۵ است. همچنین طی ۵ سال آینده بالغ بر ۱۳ هتل جدید در عربستان سعودی احداث و میزان سرمایه‌گذاری آن بالغ بر ۲/۶ میلیارد دلار است. قطر در نظر دارد تعدادی هتل جدید طی ۲ سال آینده احداث کند که گنجایش آنها ۲۵۰۰ اتاق باشد. میزان حضور دفاتر شرکت‌های خارجی هتل‌سازی در کشورهای GCC از ۴۰٪ در سال ۱۹۹۰ به ۸۰٪ در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. بحرین، کویت و عمان نیز بدنبال احداث هتل‌های جدید با گنجایش ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ اتاق تا سال ۲۰۱۵ هستند.

۸- توریسم

صنعت توریسم در کشورهای SADC از منابع دیدنی خاصی برخوردار است. این صنعت منبع مناسب و پرسودی برای کسب درآمدهای ارزی است. افزایش درآمدهای ارزی صنعت توریسم می‌تواند به رشد و توسعه این صنعت، اشتغال و افزایش سطوح سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش توریسم کشورهای SADC بیانجامد. پراکندگی گونه‌های نایاب گیاهی و حیوانی و مناظر بی‌نظیر طبیعی از منابع جذاب بین‌المللی صنعت توریسم در کشورهای SADC است.

سلسله مذاکرات اخیر بین کشورهای GCC و SADC تشویق کشورهای عربی به افزایش سطوح سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت توریسم جنوب آفریقا است. این مذاکرات منجر به ایجاد خطوط انتقال توریست‌ها از کشورهای عربی GCC موسوم به سفرهایی سیاحتی و تفریحی و از کشورهای آفریقایی موسوم به سفرهای زیارتی شده است. خاورمیانه و آفریقا از مناطق پررونق توریستی در جهان به شمار می‌روند.

مسافرت‌های خارجی کشورهای GCC بویژه مسافرت‌های توریستی آنها بسیار چشمگیر است. آنها علاقمندند که بطور دسته جمعی و خانوادگی سفر کنند و هزینه مسافرت‌های خارجی آنها بسیار بالا است. راهنمای مسافرت‌های جهانی^۱ WTM در گزارش اخیر خود در این باره می‌نویسد: هزینه سفرهای خارجی و توریستی ساکنین GCC در سال ۲۰۰۰ حدود ۲۷ میلیارد دلار برآورد شده است. برابر گزارش مذکور چیزی حدود ۱/۶ میلیون دلار به سفرهای خارجی و توریستی ساکنین امارات اختصاص دارد و بقیه ساکنین GCC نیز حدود ۸/۸ میلیون دلار را صرف سفرهای توریستی و سیاحتی خود می‌کنند. کشورهای SADC در نظر دارند تا مقامات مسئول امور توریسم در کشورهای GCC را برای رونق صنعت توریسم در جنوب آفریقا تشویق کنند. بدنبال احداث خطوط مستقیم هوایی بین امارات و آفریقای جنوبی میزان سفرهای خارجی و توریستی، بین دو طرف در حال افزایش است.

۹- بانکداری و بیمه

بانکداری و صنعت بیمه نیز یک فرصت مناسب و پر رونق اقتصادی و مالی برای GCC و SADC است. آفریقای جنوبی در بین کشورهای SADC، عربستان سعودی و

امارات نیز در بین کشورهای GCC بدنبال مشارکت بیشتر در این بخش پروتوق مالی و اقتصادی می‌باشند.

صنعت بیمه در بین کشورهای GCC و SADC فرصت مناسب دیگری برای دو طرف است. اما سیاستهای اقتصاد دولتی و نگرشهای مذهبی در کشورهای GCC مانع از رشد و توسعه صنعت بیمه و بانکداری به سبک و متد غرب شده است. برای مثال؛ صنعت بیمه حدود ۱۲٪ از GDP را در کشورهای بریتانیا و ژاپن بخود اختصاص داده است در حالی که فقط ۱/۴٪ از GDP کشورهای GCC به این صنعت اختصاص داده شده است.

امارات و عربستان سعودی بزرگترین بازار مستعد بیمه را در بین کشورهای GCC بخود اختصاص داده‌اند.

بیمه پزشکی در سالهای اخیر در کشورهای مذکور از رشد بی‌سابقه‌ای برخوردار بوده است و حاکی از افزایش هزینه‌های پزشکی، بیمه عمر و بهداشت فردی است. کشورهای مذکور بدنبال افزایش سطوح بیمه بهداشت و درمان در صنایع نفت و پتروشیمی برای ایمنی کار کارگران داخلی و خارجی هستند.

اما صنایع بیمه در کشورهای SADC رشد تدریجی دارد. شرکت‌های بیمه در آفریقای جنوبی بدنبال تدوین و توسعه فرصت‌های مناسب برای جذب سرمایه کشورهای GCC برای رونق صنعت بیمه هستند.

۱۰- امور آموزشی، تعلیم و تربیت و توسعه مهارت‌ها

کشورهای GCC و SADC بدنبال افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در امور آموزش، تعلیم و تربیت و توسعه مهارت‌ها هستند. کشورهای GCC بدنبال ارتقاء آموزش و مهارت کارگران و مدیریت بومی برای افزایش بهره‌وری در صنایع مادر بویژه نفت و پتروشیمی است. همچنین کشورهای SADC نیز بدنبال افزایش حضور نیروی کار

آفریقایی و بهره‌مندی از امور رو به رشد آموزشی و توسعه مهارت‌های فنی در کشورهای GCC می‌باشند.

کشورهای GCC برای حصول به اهداف آموزشی به انعقاد قراردادهایی با برخی مراکز و محافل معتبر خارجی آموزشی برای ارتقاء سطوح آموزش و مهارت‌های فنی و تکنولوژیک پرداخته‌اند. برای مثال؛ مراکز آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های آفریقایی هر ساله شماری از دانشجویان فنی و تکنولوژیک کشورهای GCC را جذب می‌کنند. کشورهای GCC در نظر دارند تا سالانه ۵۰٫۰۰۰ دانشجوی را برای کسب آموزش و مهارت‌های گوناگون به کشورهای خارجی چون اروپا و ایالات متحده اعزام کنند.

آمار، جداول و دیگرام‌های موجود حاکی از رشد و توسعه تدریجی در روابط تجاری، اقتصادی و مالی بین کشورهای GCC و SADC در چارچوب روابط جنوب - جنوب است. بیشتر ظرفیت موجود همکاری دو طرف توانایی‌های مالی و تکنولوژیک طرف آفریقایی و علاقمندی کمتر طرف عربی است و این امر موجب کاهش روابط مذکور و بالطبع تراز تجاری منفی برای SADC شده است.

بدیهی است که ج.ا.ا. نیز در مجاورت جغرافیایی خلیج فارس از توانایی و ظرفیت مشابه GCC برخوردار بوده و شاید از سطوح بالای مراودات تجاری، اقتصادی و مالی با SADC برخوردار باشد ولی نقش ج.ا.ا. در روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC به توسعه صرف روابط تجاری و اقتصادی با GCC و SADC نیست بلکه هدف تموین و توسعه استراتژی جدید فرامنطقه‌ای در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند است.

استراتژی فرامنطقه‌ای ج.ا.ا. ایران در قبال روابط GCC و SADC

ج.ا.ا. ایران به لحاظ بافت و متولوژی سیاسی (اسطوره شناسی سیاسی)، ایدئولوژیک، قومیت و زبان جزو هیچیک از دو سازمان منطقه‌ای مذکور نیست. اگر چه

زمینه و ظرفیتهای مشترک همکاری فرامنطقه‌ای بین GCC و SADC در ایران نیز وجود دارد ولی ج.ا. ایران خود به تنهایی دارای روابط گوناگون با طرفهای GCC و SADC است. بنابراین تدوین و توسعه خطمشی در خصوص استراتژی فرامنطقه‌ای ج.ا. ایران صرفاً در چارچوب اقتصاد سیاسی نفتی و معادن با GCC در منطقه خلیج فارس و SADC در منطقه اقیانوس هند - جنوب آفریقا نیست و این بخش نیز مترصد توجیه روابط فرامنطقه‌ای ج.ا. ایران در زمینه اقتصاد سیاسی نیست بلکه بدنبال تدوین و تنظیم "طراحی سازمانی"^۱ در دو منطقه خلیج فارس و غرب اقیانوس هند به لحاظ ملاحظات و ظرفیتهای منطقه‌ای چون عضویت در اکو و سازمان کنفرانس اسلامی و نیز ظرفیتهای ژئوپولیتیک است.

تدوین و توسعه تئوری طراحی سازمانی (ODT) برای نقش‌آفرینی فرامنطقه‌ای ج.ا. ایران به لحاظ سطوح نازل روابط اقتصادی و تجاری بین GCC و SADC و نیز به دلیل تفاوت فاحش ساختارهای سیاسی و اقتصادی آندو سازمان منطقه‌ای امکانپذیر نیست بلکه با توجه به اهمیت روابط جنوب - جنوب و جایگاه استراتژیک خلیج فارس و غرب اقیانوس هند در محیط پیرامونی استراتژی سیاست منطقه‌ای ج.ا. ایران؛ تز طراحی سازمانی (ODT) مترصد نقش‌آفرینی استراتژیک ج.ا. ایران در دو منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس و غرب اقیانوس هند بر اساس منطق موقعیت سوق‌الجیشی با هدف اعتمادسازی و تأمین امنیت دریایی است. حجم وسیعی از مراودات تجاری و اقتصادی GCC و SADC از طریق "دریایی" صورت می‌گیرد و دو منطقه خلیج فارس و غرب اقیانوس هند به لحاظ ریسک منازعات، رقابت تسلیحاتی و امنیت دریایی نیازمند اعتمادسازی و تأمین امنیت حول محور موقعیت سوق‌الجیشی و قدرت برتر دریایی در چارچوب امنیت و همکاری است.

^۱. Organizational Design (OD).

منطق تئوریک و پراتیک سوق‌الجیشی مترصد ترسیم یک جایگاه برتر استراتژیک برای ایران در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس و غرب اقیانوس هند است. از دیرباز تاکنون جناح خاوری و باختری اقیانوس هند اهمیت بسزایی در استراتژی سیاست دریایی ایران داشته است.

این بخش از مقاله بدنبال ترسیم، تدوین و توسعه نقش فرامنطقه‌ای ج.ا. ایران در خلیج فارس هند و غرب اقیانوس هند به لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی منطقه و ژئوپولیتیک و نیز برتری دریایی با هدف نقش آفرینی منطقه‌ای و فراسازمانی مشرف بر روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC در چارچوب تأمین امنیت و اعتمادسازی در ترانزیت دریایی است.



SADC, GCC → Trans - Regional Relations

Iran, GCC And SADC → Trans - Organizational Regional (TOR)

عناصر و زیرساختارهای نقش فراسازمانی و فرامنطقه‌ای ج.ا. ایران (TOR) در قبال روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC بر دو پایه ظرفیت یا سوق‌الجیشی منطقه‌ای و ژئوپولیتیک است. اما قبل از پردازش به این مباحث لازم است که به چندین سؤال پاسخ داده شود:

۱- تئوریک طراحی سازمانی چیست؟

۲- ماهیت تئوریک و پراتیک TOR در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند چیست؟

۳- نقش ج.ا. ایران در هدایت و راهبری TOR با هدف توسعه روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC چیست؟

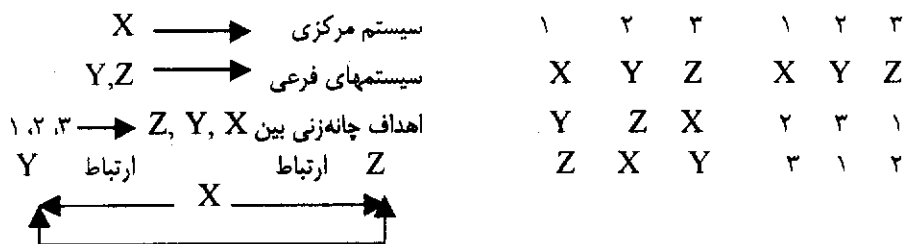
۲- متدولوژی تحلیلی - مدلی

۱-۲- تئوری طراحی سازمانی^۱

طراحی به مفهوم ترسیم و بوجود آوردن یک مفهوم ذهنی به عینی در یک چارچوب عملی. اهداف این طراحی می‌تواند گوناگون باشد و طراحی سیاسی یا طراحی سازمان‌های سیاسی نیز اهداف و ابزارهای خاص خود را دارند. حوزه وظایف طراحی سازمانهای سیاسی می‌تواند از سطوح ملی تا سطوح بین‌المللی امتداد داشته باشد. مهمترین عنصر هوشمند در این طراحی، "انتخاب عقلایی" است.

تئوری طراحی سازمانی بدنبال ترسیم، تدوین و توسعه ساختارهای هوشمند سازمان برای حصول به اهداف از پیش تعیین شده یا استراتژیک است. یکی از مفروضات این تئوری روند انتخاب عقلایی است. این روند حاکی از کارکرد این تئوری در حیات بشری است. یکی دیگر از مفروضات تئوری مذکور تدوین یک سازمان هوشمند در یک محیط پیچیده است و وظیفه آن نیز در چنین محیطی گسترش و تعمیق روابط فراروی سازمان است.

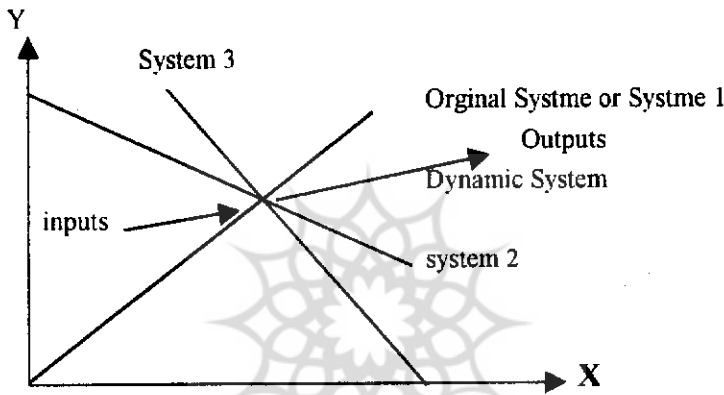
تئوری ODT اشعار می‌دارد که مهمترین هدفش ارتقای چانه‌زنی بین سیستم اصلی و سیستم فرعی یا سیستمهای رابط است. گاهی اوقات سیستم مرکزی صرفاً به ارتباطدهی بین سیستمها می‌پردازد و بیشتر نقش رابط را برقرار می‌کند و در هر دو حالت وظیفه آن ارتقای چانه‌زنی است:



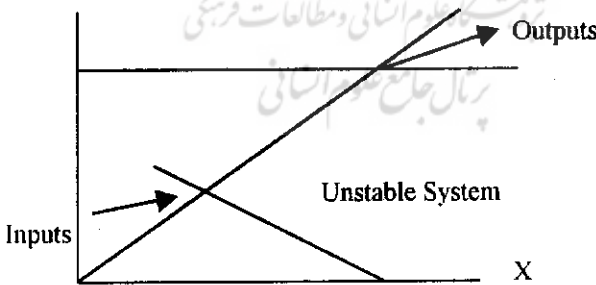
^۱. Organization Design Theory (ODT)

همچنین یکی از اهداف اساسی تئوری ODT ایجاد فضایی پویا و دینامیسم بین سیستم مرکزی و سیستمهای فرعی. منظور از پویایی گسترش و تعمیق تعاملات، مهار ورودیها و کنترل خروجیها و ایجاد ثبات و تعادل است.

نمودار پویایی و دینامیسم در یک سیستم طراحی شده



نمودار غیرپویایی و بی ثباتی یک سیستم طراحی شده



به طور کلی سیستمهای پویا و با ثبات همراه با گسترش و تعمیق تعاملات بدنبال نهادینه ساختن مسئولیتهای جمعی برای ایجاد ثبات و تعادل در فضای همکاری هستند. هیچ سیستمی توان زندگی در یک فضای پرتلاطم و ناامن را ندارد. کنترل

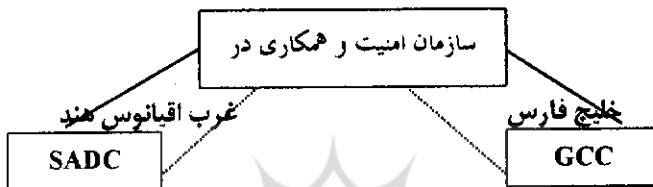
ناامنی‌ها و نهادینه ساختن صلح و ثبات یکی از اهداف بنیادین تئوریک و پراتیک تئوری ODT است. اراده سیاسی حصول به این اهداف، قدرت دسته جمعی برای تأمین اهداف و منافع جمعی است. برگزاری سلسله اجلاس‌های مشترک و تدوین و توسعه دستورالعمل‌های اجرایی می‌تواند تلاش‌های همه جانبه‌ای را برای کسب اهداف مشترک نهادینه سازد. دستورالعمل‌های اجرایی نیز شامل تدوین و توسعه وظایف مشترک و جمعی برای ایجاد شفافیت، پاسخگویی، کارآمدی و کسب مشروعیت محیطی و فرامحیطی است. منظور از مراحل مذکور نهادینه ساختن فضای امن و باثبات است و به مخاطره افتادن منافع هر یک از اعضا به منزله خطر جمعی تلقی می‌شود.

۲-۲- ماهیت تئوریک و پراتیک نقش فراسازمانی و فرامنطقه‌ای ج.ا. ایران در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند: سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند با عنایت به نقش ODT در طراحی سازمانهای سیاسی مبتنی بر مبانی هوشمند انتخاب عقلایی برای تأمین اهداف و منافع مشترک جمعی؛ ج.ا. ایران نیز می‌تواند به ترسیم، تدوین و توسعه یک نقش فراسازمانی و فرامنطقه‌ای TOR مشابه OSCE در منطقه خلیج فارس و غرب اقیانوس هند بپردازد.

حوزه کارکردی سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند مبتنی بر فضایی است که در آن رفتارهای منطقه‌ای کشورهای GCC و SADC در ارتباط با تشریک مساعی و امنیت و اعتمادسازی برای تحقق صلح و ثبات قرار می‌گیرد. ضمانت اجرایی و اراده سیاسی مشترک این سازمان برقراری ثبات و پایداری در روابط فرامنطقه‌ای است. فصل ۸ منشور ملل متحد نیز تمهیدات لازم برای فعالیت سازمانهای منطقه‌ای جهت پاسداری از صلح و امنیت منطقه‌ای و برقراری سیستم باثبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم کرده است. سازمان امنیت و همکاری در اروپا OSCE یکی این نوع سازمانهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیش بینی شده در فصل ۸ منشور ملل متحد است که

برای برقراری سیستم با ثبات منطقه‌ای تلاش می‌کند. اهداف اساسی سازمانهای مذکور اجرای مأموریت‌های صلح‌سازی، مدیریت بحران، گسترش مأموریتها، اعتماد سازی و تأمین امنیت، توسعه حقوق بشر و اصلاحات اقتصادی، امنیت زیست محیطی و گسترش و تعمیق روابط تجاری و اقتصادی است.

TOR



۳-۲- ایران و سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و اقیانوس هند

خلیج فارس به لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک، منابع سرشار انرژی و نیروهای تأثیرگذار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اهمیت بسزایی در عرصه رقابت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای داشته است. این منطقه دارای ذخایر نفتی جهانی بسیار بالایی است و از این نظر برای کشورهای صنعتی شاه‌رگ حیاتی بشمار می‌آید که چرخه اقتصاد را به گردش در می‌آورد. کشورهای خلیج فارس ۶۲٪ از کل نفت بازارهای جهانی را تولید می‌کنند و ۳۷۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت در منطقه وجود دارد.

موقعیت ژئوپولیتیک متمایز و مهم خلیج فارس که حلقه ارتباطی میان شرق و غرب را تشکیل می‌دهد، بعلاوه گذرگاهها و تنگه‌های استراتژیک مهم بویژه تنگه هرمز که پرخطرترین و مهمترین گذرگاههای آبی جهان به شمار می‌آید. منطقه خلیج فارس یک بازار مصرفی بزرگی است که قادر است مازاد تولید صنایع پیشرفته غرب را که بازدهی مادی فراوانی دارد، جذب کند. این منطقه دارای منظومه سیاسی متنوع،

انرژی‌های سیاسی و ناسیونالیستی و مذهبی، ریسک‌های منازعه و نقطه تلاقی تمدن‌های بزرگ جهانی است.

نقش ارتباطی خلیج فارس میان شرق و غرب بر اهمیت جغرافیایی و تاریخی آن می‌افزاید. در سواحل این منطقه مراکز جهانی دریانوردی و تجارت برپا گردیده و همواره بطور فعال در حال حرکت بوده است تا راه‌های دریایی را به راه‌های خشکی ارتباط دهد. اهمیت استراتژیک این منطقه در ارتباط با اقیانوس هند و سایر مناطق پیرامونی است.

منطقه اقیانوس هند نیز از حلقه‌های ارتباطی استراتژیک با خلیج فارس محسوب می‌شود. این ارتباط به لحاظ ۱) خطوط کشتیرانی انتقال انرژی، ۲) نفوذ قدرتهای بزرگ و استقرار پایگاه‌های استراتژیک در حوزه اقیانوس هند، ۳) نقش برتر دریایی برخی قدرت‌های بومی در حوزه اقیانوس هند و ۴) وجود تنگه هرمز، کانال سوئز و گذرگاه کیپ‌تاون برای ارتباط حلقوی استراتژیک خلیج فارس و اقیانوس هند افزوده است.

اقیانوس هند یکی از معابر عبوری خطوط تجارت دریایی و ترانسپورت نفتی از خلیج فارس بسوی بازارهای مصرف جهانی است. پایگاه‌های نظامی و ناوگان دریایی ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، نروژ، اسپانیا، فنلاند، پرتغال، بلژیک، آلمان، روسیه و نیز ناوگان رزمی قدرت‌های دریایی بومی چون هندوستان، ایران، عربستان سعودی و آفریقای جنوبی در اقیانوس هند مستقر هستند. این دو منطقه، خطوط انتقالی و ارتباطی تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت در شبکه تردد جهانی دریایی بشمار می‌روند.

از دیرباز تاکنون سعی شده تا کشورهای منطقه به‌مراه قدرتهای جهانی به برپایی صلح و ثبات در اقیانوس هند پردازند عاری کردن منطقه اقیانوس هند از تسلیحات غیرمتمعارف و غیرنظامی کردن این منطقه از پیشنهادات اولیه ایران در اواسط دهه ۱۹۷۰م. در محافل منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. حمایت از حمل و نقل دریایی نفت و تجارت دریایی در اقیانوس هند صرفاً با نهادینه کردن گسترش و تعمیق شبکه‌های ارتباطی در این منطقه امکانپذیر است.

قدرت دریایی برتر ایران در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، این کشور را در دهه ۱۹۷۰م. بسوی تشکیل یک سازمان امنیت و همکاری در این منطقه بشرح ذیل تشویق کرده است:

۱- نظارت و کنترل بر فعالیتهای دریایی و نیز ناوگانهای نفتی و تجارت دریایی با هدف نهادینه ساختن شبکه‌های ارتباطی برای ایمن‌سازی تردد دریایی و برقراری ثبات و امنیت در منطقه؛

۲- مشارکت هر چه بیشتر کشورهای ساحلی خلیج فارس و غرب اقیانوس هند برای بسط و توسعه وظایف محوله به سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند؛

۳- گسترش پایگاه‌های نظامی و ناوگانهای دریایی در خلیج فارس و جناح باختری اقیانوس هند برای مقابله با بحران احتمالی؛

۴- تلاش برای تحقق امنیت و اعتمادسازی بین کشورهای ساحلی خلیج فارس و آفریقایی اقیانوس هند؛

۵- گسترش و تعمیق روابط همه جانبه با کشورهای آفریقایی ساحلی اقیانوس هند بویژه شرق و جنوب آفریقا،

موقعیت ژئواستراتژیک ایران در خلیج فارس و برتری دریایی این کشور در اقیانوس هند، نقش برتر و حلقوی در برقراری سیستم دفاعی، امنیت و اعتمادسازی دارد. ایران در دهه ۱۹۷۰م. همواره تلاش داشته است تا با ایجاد نقش رابط و حلقوی بین کشورهای عرب خلیج فارس و کشورهای آفریقایی ساحلی اقیانوس هند به ثبات و تأمین امنیت در این دو منطقه بپردازد.

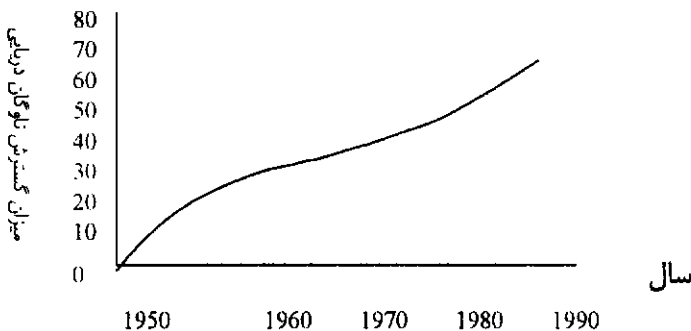
الف: تمایل ایران به توسعه روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC: توسعه روابط

جنوب - جنوب؛ روابط دریایی جنوب - جنوب

یکی از مباحث چشمگیر و برجسته در نقش راهبردی ج.ا. ایران در توسعه روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC تمایل رو به رشد کشورهای جهان سوم به گسترش و تعمیق روابط جنوب - جنوب است. ایران در قالب سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند با هدف گسترش و تعمیق روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC به منظور تأمین امنیت تجارت دریایی و تردد دریایی نفت تلاش دارد.

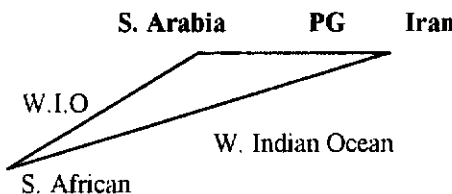
ایران نیز مانند سایر کشورهای ساحلی جهان سوم بدنبال گسترش و تعمیق ناوگان دریایی به لحاظ موقعیت برتر دریایی، امتداد سواحل و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل دریایی موجب شده است تا آنها به توسعه روابط دریایی جنوب - جنوب بپردازند. برای مثال؛ مراکز تجمع رو به گسترش ناوگان دریایی جهان سوم در سواحل آفریقایی اقیانوس هند، خلیج فارس، جناح خاوری اقیانوس هند، دریای مدیترانه و سواحل آمریکای لاتین بطور کامل قابل مشاهده است. به عبارت دیگر؛ متغیرهای دریایی مستقل نقش مهم و استراتژیک در شکل‌گیری استراتژی امنیت ملی و منطقه‌ای کشورهای ساحلی جهان سوم دارند. یکی از اهداف حلقوی و مشترک کشورهای جهان سوم در گسترش و تعمیق ناوگان دریایی نهادینه ساختن روابط دریایی جنوب - جنوب است.

درصد



در نخستین کنفرانس سازمان ملل متحد در باب حقوق دریاها در ۱۹۵۸ و سپس ۱۹۷۳ که منجر به انعقاد حقوق دریاها در مورخ ۱۹۸۲ شد؛ بر حفظ تجارت دریایی تأکید شده است. اما با قطبی شدن کشورها به شرق - غرب و شمال - جنوب، بتدریج کشورهای جنوب نیز تمایل خود را به توسعه روابط جنوب - جنوب ابراز کرده‌اند. این مسئله نیز با افزایش تردد تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت از دهه ۱۹۷۰م به بعد تمایل کشورهای جنوب را از یک طرف به گسترش و تعمیق ناوگان دریایی و از طرف دیگر به توسط روابط شبکه‌ای جنوب - جنوب افزایش داده است. ناوگان دریایی کشورهای ساحلی جهان سوم سه نقش اساسی در این زمینه بازی می‌کنند:

- ۱- نقش تأمین امنیت و اعتمادسازی دریایی
 - ۲- نقش گسترش دهنده تردد تجارت دریایی
 - ۳- افزایش فرصت‌های دریایی برای سایر کشورهای جنوب
- گسترش و تعمیق ناوگان دریایی و توسعه روابط دریایی جنوب - جنوب بیش از همه در خلیج فارس و اقیانوس هند به لحاظ منابع انرژی و موقعیت ژئواستراتژیک کشورهای ساحلی آن دیده می‌شود. ایران، عربستان و آفریقای جنوبی از برجسته‌ترین کشورهای منطقه برای توسعه روابط دریایی جنوب - جنوب می‌باشند.



ب: تمایل ایران به ایفای نقش اعتمادسازی و تأمین امنیت دریایی با هدف توسعه روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC

زمانی که همکاری و تفاهم متقابل بین کشورها بیش از هر وقت دیگر لازم باشد، کشورهای منطقه باید از منتهایی که جهت کاهش تنش‌ها و رفع مناقشات بکار گرفته می‌شود، حداکثر استفاده را ببرند. روشهای دیپلماسی اعتمادسازی و تأمین امنیت^۱ در عصر جنگ سرد نقش مهم در کاهش تنش‌ها بین شرق و غرب ایفاء کرد.

هدف اقدامات اعتمادسازی و تأمین امنیت این است که فعالیتهای نظامی را هر چه بیشتر پیش‌بینی و علنی کرد و این عمل می‌تواند از وقوع سوء تفاهمات جلوگیری کرده و مانع از شکل‌گیری مناقشات احتمالی شود. اولین اقدام اعتمادسازی برقراری «ارتباط مستقیم» است و این زنجیره ارتباطی بعنوان یک ابزار لازم‌گسترش پیدا می‌کند. برای مثال؛ اطلاع قبلی از مانورهای نظامی گسترده و دعوت از ناظران خارجی و همسایه به منظور بازدید از این مانورها از نتایج مطلوب و رو به‌گسترش «ارتباط مستقیم» است. مراحل اعتماد و تأمین امنیت شامل فراهم کردن اطلاعات، نظارت و محدودیت در ابراز تبلیغات سیاسی است. اعلام اهداف صلح‌جویانه و کاهش یا حذف تبلیغات منفی می‌تواند ریسک وقوع سوءتفاهمات را کاهش دهد. ایران، GCC و SADC در چارچوب روابط فراسازمانی و فرامنطقه‌ای چون سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند بهتر می‌توانند به تعمیق اقدامات اعتمادسازی و تأمین امنیت بپردازند. این دو منطقه از دیرباز تاکنون با مبادله دائمی انسانی، تجاری، فرهنگی و مذهبی همراه بوده است. همچنین ناهمگونی‌های سیاسی، اقتصادی و ریسک منازعه در بین کشورهای این دو منطقه بیش از پیش لازمه نهادینه ساختن دیپلماسی اعتمادسازی را مهیا می‌سازد. منظور از نهادینه ساختن دیپلماسی اعتمادسازی انعقاد قراردادهای چندجانبه برپایه حسن نیت طرفین است. نظارت و کنترل بر مفاد قراردادهای مذکور نیز بر لازمه وجود سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند تأکید دارد. «منشور خلیج فارس و غرب

^۱. Confidence and Security Making

اقیانوس هند" نیز یکی از راه‌حلهای کاربردی برای نهادینه ساختن دیپلماسی اعتمادسازی و تأمین امنیت است. مراحل اجرایی این دیپلماسی به شرح ذیل است:

۱. اقداماتی جهت متقاعد کردن کشورهای دیگر در خصوص نیات غیرتجاوزگرانه؛
۲. اقداماتی جهت محدود کردن توانایی ارباب سیاسی و نظامی ضعیف توسط قوی؛
۳. اقداماتی جهت کاهش احتمالی سوءتفاهم در خصوص مقاصد نظامی؛
۴. اقداماتی در جهت به حداقل رساندن امکان تشدید بحران بصورت غیرعمدی؛
۵. موافقتنامه‌ای برای پیشگیری از سوانح و تصادفات دریایی و اجرای عملیات سریع نجات دریایی؛
۶. برقراری مانورهای منظم، مشترک و گسترده دریایی؛
۷. انعقاد موافقتنامه‌ای برای عدم وقوع حملات به کشتی‌های غیرنظامی و بومیان غیرنظامی؛
۸. برگزاری سلسله مذاکرات دیپلماتیک برای تهیه و تدوین برنامه‌های استراتژیک اعتمادسازی؛
۹. تشکیل گروه کاری تأمین امنیت و اعتمادسازی در منطقه برای بررسی آثار و پیامدهای آن؛
۱۰. امکان امضای پروتکل بین کشورهای منطقه خلیج فارس و غرب اقیانوس هند در زمینه احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر و عدم توسل به قوه قهریه؛
۱۱. توسعه همکاریهای همه‌جانبه بین کشورهای منطقه بویژه در زمینه امنیت دریایی، مبارزه با قاچاق دریایی و تروریسم؛
۱۲. امکان امضای منشور خلیج فارس و غرب اقیانوس هند برای تحقق هنجارهای فرمانطقه‌ای چون ایمنی تردد ناوگان تجارت دریایی، آزادی مبادلات پول، سرمایه و خدمات، آزادی مراودات علمی، پژوهشی و تکنولوژیک دریایی و توسعه و رونق توریسم دریایی و حفظ میراث بشریت در دریاها

ج: تمایل ایران به گسترش شبکه تردد تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت بین GCC و SADC

تمایل ایران به گسترش و تعمیق شبکه تردد تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت بین GCC و SADC متأثر از همکاریهای چندملیتی دریایی در قرن ۲۱ است. این نوع همکاریها ماهیت صلح دوستانه داشته و گسترش آن موجب همکاری در سایر زمینهها بین کشورها می‌گردد. اجلاسهای بین‌المللی ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶ گرینویچ بریتانیا در خصوص همکاریهای چندملیتی دریایی، مدیریت اقیانوس‌ها، امنیت و اعتمادسازی دریایی، امنیت انرژی و رونق تجارت دریایی معرف و مبین اهمیت این نوع روندهای همکاری دریایی جهانی است.

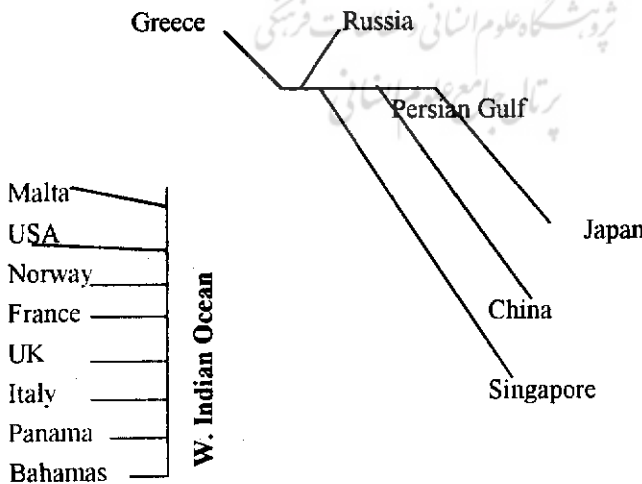
تحقق این نوع همکاریها با تأمین ثبات و امنیت دریایی در برخی مناطق حساس و استراتژیک دریایی امکانپذیر است. منظور از تأمین ثبات و امنیت دریایی نیز شامل صلح‌جویی قدرتهای برتر بومی دریایی، مدیریت بحران و منازعه و علاقه به گسترش روابط دریایی و تجارت دریایی است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز تأمین امنیت مناطق دریایی و رونق تجارت دریایی را مورد تأکید قرار داده است. در این میان خلیج فارس و اقیانوس هند بیش از سایر مناطق دریایی از حساسیت رقابت تسلیحاتی، ریسک منازعه و ناامنی دریایی برخوردار است. حمایت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سیاست همکاریهای چندملیتی دریایی ج.ا. ایران با هدف توسعه روابط فرامنطقه‌ای GCC و SADC می‌تواند به گسترش و تعمیق اعتماد و امنیت‌سازی، رونق تجارت دریایی و امنیت ترانزیت دریایی نفت بیانجامد.

برتری دریایی و موقعیت ژئواستراتژیک، توانایی‌های نظامی و غیرنظامی دریایی، سوابق تاریخی حضور طولانی در خلیج فارس و اقیانوس هند و علاقه به گسترش روابط صلح‌جویانه دریایی رونق تجارت دریایی و تأمین امنیت انرژی تولید کننده و مصرف کننده از برجستگی و توانمندی‌های ایران در توسعه روابط فرامنطقه‌ای بین GCC و SADC است.

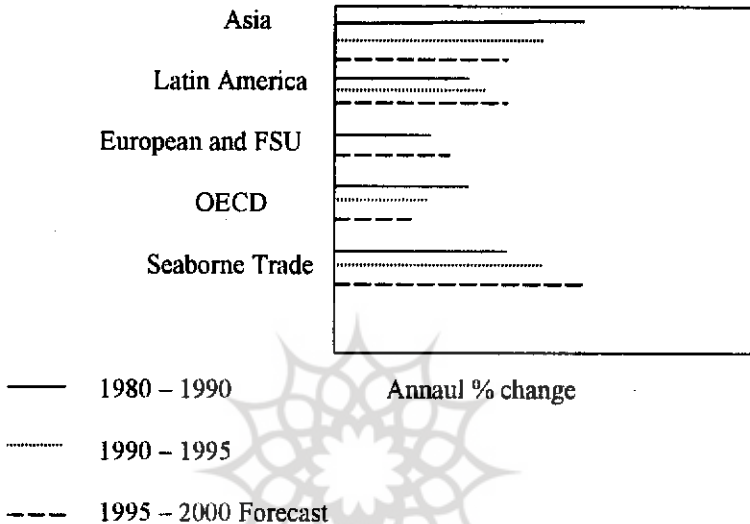
امروزه تجارت دریایی یکی از شبکه‌های گسترده تجارت بین کشورها است و آن نیز برای کشورهای ساحلی اهمیت فراوانی دارد. سیستم بین‌المللی اقتصاد متشکل از شبکه‌های تجاری است که تجارت دریایی وسیع‌ترین و با اهمیت‌ترین آنها است. طول سواحل، گنجایش بنادر، ظرفیت ناوگان دریایی، تناژ دریایی و تأمین امنیت دریایی و همکاری‌های منطقه‌ای دریایی از فاکتورهای کلیدی کشورهای ساحلی در توسعه روابط فرامنطقه‌ای دریایی است.

اساسی‌ترین شکل ممکن در توسعه روابط فرامنطقه‌ای دریایی تشکیل ارتباط حلقوی بین دو یا چند منطقه دریایی است. برقراری امنیت دریایی، مدیریت تردد و تجارت دریایی و احترام به مبانی حقوق دریاها از فاکتورهای برجسته ارتباط دهنده حلقوی (کشور مورد نظر) بین دو یا چند منطقه مهم دریایی است. امار و گزارشات اقتصادی و تجارت دریایی حاکی از گسترش و تعمیق شبکه‌های تردد تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت از منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند به سایر مناطق مهم دریایی جهان است.

شبکه‌های مهم تجارت دریایی

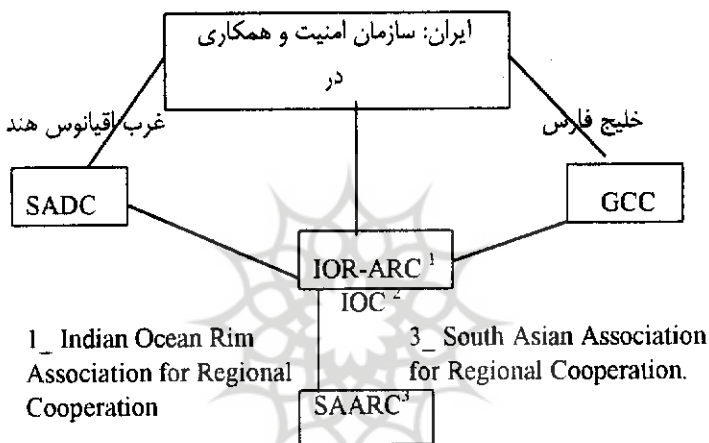


رشد GDP و تجارت دریایی



اقیانوس هند سومین اقیانوس بزرگ جهان پس از اقیانوس آرام و اطلس است. مساحت آن ۷۴ میلیون کیلومتر و بیش از ۲۰٪ از مجموع آب‌های جهان را بخود اختصاص داده است. این اقیانوس شامل دریای سرخ، خلیج فارس، دریای عرب، خلیج بنگال و دریای آندمان است. اقیانوس هند دارای سواحل طولانی در آسیا، آفریقا و استرالیا است. موقعیت جغرافیایی اقیانوس هند آنرا بعنوان یک آبراه استراتژیک جهان و حلقه ارتباطی بین اقیانوس آرام و اطلس درآورده است. حجم عظیمی از کالا و خدمات از این نقطه می‌گذرد. عبور نفتکش‌های غول‌پیکر دریایی و تردد زیاد ناوگان‌های تجاری بیش از پیش اهمیت ژئواستراتژیک اقیانوس هند را نمایان می‌سازد. ۹۷٪ از تجارت هندوستان، ۹۰٪ از تجارت اغلب کشورهای ساحلی جنوب آفریقا از طریق تجارت دریایی در اقیانوس هند انجام می‌گیرد.

علاقه ایران به توسعه روابط فرامنطقه‌ای بین GCC و SADC بویژه در حوزه رونق تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت نمایانگر همکاری منطقه‌ای بین سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند و جامعه کشورهای اقیانوس هند و سازمان‌های تابعه آن است:



برای این منظور مهم ج.ا. ایران باید رونق تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت را شامل مراحل روابط بین منطقه‌ای^۱ و سپس روابط فرامنطقه‌ای گرداند و تسهیل در این دو امر مهم دریایی را منوط به همکاری نهادینه تک تک کشورهای عضو اقیانوس هند گرداند.

همچنین ج.ا. ایران باید از سازمان‌های غیردولتی دریایی برای تحقق رونق تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت استفاده کند. وابستگی متقابل اقتصادی و روابط تجارت دریایی بازیگران دولتی و غیردولتی را بهم وابسته‌تر کرده است. تأمین امنیت دریایی، حفظ محیط زیست، رفع آلودگی‌ها، مبارزه با اشکال تروریسم و قاچاق دریایی و

^۱. Intra-Extra Regional.

غیره می‌تواند کارآمدی ج.ا. ایران را در رونق فعالیت‌های صلح جویانه تجاری و نفتی دریایی ارتقاء بخشد.

نتیجه‌گیری:

- ۱- جمهوری اسلامی ایران از موقعیت برتر دریایی، از توانمندی بیشتر ناوگان دریایی و سوابق تاریخی حضور طولانی در خلیج فارس و اقیانوس هند برخوردار است؛
- ۲- ایران از اواسط دهه ۱۹۷۰م. تاکنون مترصد تشکیل سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و اقیانوس هند برای نهادینه کردن فعالیت‌های صلح آمیز دریایی بوده است؛
- ۳- خلیج فارس و اقیانوس هند نقطه تلاقی تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت است.
- ۴- ایران مترصد توسعه و تعمیق روابط فرامنطقه‌ای بین GCC و SADC در زمینه‌های امنیت و اعتمادسازی، تجارت دریایی و ترانزیت دریایی نفت بوده است؛
- ۵- نقش ج.ا. ایران در هدایت و راهبری سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و اقیانوس هند منوط به توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با جامعه کشورهای اقیانوس هند و سازمان‌های دریایی تابعه آن است؛
- ۶- تبیین و تحلیل نقش ج.ا. ایران در سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس و غرب اقیانوس هند با توسل به دیدگاه‌های نظری و تئوری‌های مربوط چون تئوری طراحی سازمانی، موقعیت سوق‌الجیشی و آمار و داده‌های تجاری و اقتصادی و امور دریایی امکانپذیر است.

فهرست منابع:

الف - منابع فارسی

- ۱- گراهام فولر، *قبله عالم؛ ژئوپولیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳).
- ۲- روح‌ا... رضائی، *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ج.ا.ا.* ترجمه علیرضا طیب، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰)

- ۳- حمید هادیان، روابط سیاسی ایران و هندوستان ۱۹۷۹-۱۹۴۷، پایان نامه تحصیلی جهت اخذ کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل، (تهران: دانشگاه آزاد واحد مرکز، ۱۳۷۴)
- ۴- لورنس ج. پاتر، "اقدامات اعتمادسازی در خلیج فارس"، مجموع مقالات ششمین سمینار خلیج فارس، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۵).
- ۵- پیتر جونز، "اقدامات ایجاد اعتمادسازی و امنیت در منطقه" همان.
- ۶- جلیل روشندل، اقدامات برای ایجاد اعتماد در منطقه خلیج فارس"، همان.

ب - منابع لاتین

- 7_ Fred Phaswana and Greg Mills, "Introductory Note; S.Africa: SADC and the GCC," *S. African Journal of International Affairs*, Volume 9, Number 1, Summer 2002.
- 8_ Iraj Abedian and Henry Flint, "SADC and the GCC: Shared Regional Challenges and Potential Links", *South African Journal of International Affairs* Volume 9, Number 1, Summer 2002.
- 9_ Adnan HA. Al-Kandary, "Kuwait's Economy, the Economic Status of the GCC in General and Bilateral Relations between GCC and SADC, *Ibid*.
- 10_ Elsabe Loots, "Globalization: A Ranking of S. Africa and other Emerge Market Economics", *Ibid*.
- 11_ Robert E. Goodin, "Institutional and their Design", the *Theory of Institutions Design* Edited by Robert E. Goodin (Cambridge University Press, 1996).
- 12_ Philip Pettito, "Institutional Design and Rational Choice", *Ibid*.
- 13_ Bruce Talbot Coram, "Second Best Theories and the Implications for Institutional Design", *Ibid*.
- 14_ Johns Dryzek, "the informal Logic of Institutional Design", *Ibid*.
- 15_ David Luban, "The Publicity Principle", *Ibid*.
- 16_ The Persian Gulf Crisis; Power in the Post-Cold War World, Edited by Robert F. Helms and Robert H. Dorff, (West, Connecticut. London, 1991),
- 17_ Rear-Admiral Shoa Majidi, "The Iranian Contribution", The Southern Oceans and the Security of the free world, edited by Patrick Wall, (Stacey International, 1977).

- 18_ Michael A. Morris, *Expansions of the third World Navies*, (St. Martin's Press, 1990)
- 19_ Peter Jones, *Towards a Regional Security Regime for the ME: Issues and Options*, (Sipri, Dec. 1998)
- 20_ Fred W. Crickard and Paul T. Mitchell, "Introduction", *Multinational Naval Cooperation and Foreign Policy in the 21 Century*, edited by Fred W. Crickard, Paul T. Mitchell and Katherine Orr, (UK: Ashgate' Publishing LTD, 1998).
- 21_ Admiral Sir James Eberle, "Global Maritime Security", *Ibid*.
- 22_ Lowis M. Alexander, "The Changing Nature of the high Seas", *Ibid*
- 23_ Rahul Roy Chaudhury, "Multinational Naval Cooperation in the Ocean", *Ibid*.

